

سوالات تشریحی

۱- هریک از مفاهیم « دین » ، « عرفان » و « فلسفه » به ترتیب با چه موضوعاتی گره خورده است؟

« ایمان » - « شهود و عشق » - « عقل » و « عقلانیت »

۲- مقصود فیلسوفان از عقل چیست؟

عقل توانمندی ای است که به کمک آن استدلال می کنیم و از این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم.

۳- محدوده و قلمرو عقل چه اندازه است ؟

انسان با عقل خود استدلال می کند و می تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست .

انسان با عقل خود می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد.

انسان با عقل خود می تواند پی ببرد که کدام سخن درست و کدام نادرست، و کدام رفتار پسندیده و کدام ناپسند است.

۴- از نظر فیلسوفان، توانمندیهای کودک چگونه است و از چه طریقی به فعلیت می رسد ؟

از نظر فیلسوفان، توانمندی در کودک به صورت بالقوه است؛ با تربیت و تمرین به فعلیت می رسد و تقویت می شود و به

همین سبب، در افراد مختلف، متفاوت است. برخی از انسان ها قدرت عقلی بیشتر و بعضی قدرت عقلی کمتری دارند.

۵- فیلسوفان الهی، علاوه بر عقل انسان، از عقل دیگری سخن گفته اند ؟ مقصود آنان از این نوع عقل چیست و چگونه

موجوداتی را شامل می شود ؟

کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. این موجودات در افعال

خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند. فیلسوفان الهی می گویند بسیاری از فرشتگان که در کتاب های آسمانی، از جمله قرآن کریم، از

آنها یاد شده، همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم که فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات می کنند.

فیلسوفان الهی معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق

اشیا را « شهود » می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند .

۶- به عقیده فیلسوفان الهی ، بسیاری از فرشتگان که در کتاب های آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است

کدام نوع موجودات هستند و فیلسوفان ، آنها را چگونه اثبات می کنند؟

مقصود همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم که فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات می کنند.

۷- به عقیده فیلسوفان الهی، علم عقول یا موجودات مجرد یا فرشتگان چگونه به دست می آید ؟

فیلسوفان الهی معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق

اشیا را « شهود » می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند .

۸- به نظر فیلسوفان الهی ، روح انسان چگونه می تواند همچون عقول بسیاری از حقایق را مشاهده نماید؟

فیلسوفان الهی معتقدند که روح هر انسانی، استعداد رسیدن به چنین مرتبه ای از عقل را دارد؛ یعنی می تواند با تهذیب نفس به مرتبه

ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد باشد و در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است، همچون عقول، بسیاری از حقایق را

شهود کند.

۹- فیلسوفان الهی، کدام قوه را مرتبه نازل و پایین عقل مجرد می شمارند. عقیده آنها را در این باره بنویسید.

فیلسوفان الهی، قوه استدلال را مرتبه نازل و پایین عقل مجرد می شمارند و می گویند توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی، خود پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست. پس از شکل گرفتن مفاهیم کلی است که انسان توانایی صورت بندی استدلال را پیدا می کند و قیاس های مختلف را، آن گونه که در منطق گفته شده است، می سازد.

۱۰- گزارش فردوسی در شاهنامه و برخی نقل های تاریخی و آثار مکتوب مربوط به ایران باستان، حکایتگر چیست؟

این گزارش ها از توجه به عقل و خردورزی حکایت می کنند؛ به گونه ای که می توان گفت حکیمان ایران باستان هم از عقل به عنوان یک وجود نورانی و مجرد آگاه بوده اند و هم به عقل به عنوان تعقل و خردورزی و برهان اهمیت می داده اند.

۱۱- ارتباط خرد و آفریدگار در اندیشه حکیمان ایران باستان را توضیح دهید.

در اندیشه حکیمان ایران باستان، خرد با وجود آفریدگار متحد و یگانه است و آفریدگار، کل جهان را با خرد و عقل رهبری می کند. آنان عقیده داشتند که «خدا براساس خرد می آفریند» و می گفتند که «مزدا» که همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجدان ها و خردها را آفریده است. به نظر می رسد که این خرد و عقل که آفریده آفریننده است، وجودی عقلانی است که خرد و عقل انسان پرتو و مظهر اوست.

۱۲- مقصود حکیمان ایران باستان از مفهوم مزدا چیست و از چه طریقی جهانیان، وجدان ها و خردها را آفریده است؟

«مزدا» همان خداست و با خرد و اندیشه خود جهانیان، وجدان ها و خردها را آفریده است.

۱۳- این بیت فردوسی در آغاز شاهنامه «به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد» بیانگر چیست؟

۱۴- بیانگر وجود فرزاتگانی است که از خرد و عقل بهره داشته و حکیمانه زندگی نموده اند.

۱۵- در میان فیلسوفان یونان باستان، هراکلیتوس از چه حقیقتی سخن می گوید و معنای آن چیست؟

از حقیقتی به نام «لوگوس» سخن می گوید که به معنای «عقل» و «نطق» است.

۱۶- عقل و اشیاء عالم، به ترتیب نزد هراکلیتوس چه چیزی هستند؟

عقل نزد هراکلیتوس، همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن. و اشیاء عالم، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند.

۱۷- وجه تشابه معنای عقل نزد پارمیندس و افلاطون چیست؟ آن را بیان کنید.

پارمیندس، معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود. افلاطون نیز به چنین عقلی، که آن را «عقل جهانی» یا «عقل کلی» می نامید، اعتقاد داشت و انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می دانست.

۱۸- چرا ارسطو به عقل توجه ویژه ای داشت و بر چه اساسی آن را به دو بخش نظری و عملی تقسیم کرده بود؟

ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه ای داشت و توضیح می داد که قوه عقل براساس کاری که انجام می دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می شود.

۱۹- ارسطو کدام نوع استدلال ها را در بخش منطق آثار خود از هم جدا ساخت؟

استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرد و کاربرد هرکدام را روشن ساخت.

۲۰- تعریف انسان نزد ارسطو را بنویسید. ارسطو، انسان را با مفهوم «حیوان ناطق» تعریف کرد.

۲۱- تحولاتی که عقل از رنسانس تاکنون پشت سرگذرانده است، بیشتر مربوط به کدام حیطة و قلمرو عقل است؟

عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از رنسانس تاکنون، تحولاتی را از سرگذرانده که عمدتاً مربوط به حدود توانایی های عقل است.

۲۲- جایگاه عقل در دوره جدید اروپا و ابتدای رنسانس را با دوره اول و دوره دوم حاکمیت کلیسا مقایسه کنید؟

در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد؛ درحالی که قبل از آن، به خصوص در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن ۹ تا ۳) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند و می گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن های یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۲۳- عقل در دوره جدید اروپا و ابتدای رنسانس چه جایگاهی در فلسفه پیدا کرد؟

در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.

۲۴- در دوره اول حاکمیت کلیسا، در مورد عقل چه دیدگاهی حاکم بود؟

در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن ۳ تا ۹) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند و می گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

۲۵- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، اندیشه های فیلسوفان مسیحی تحت تاثیر اندیشه های کدام فیلسوفان واقع گردید و چه نتایجی به همراه داشت؟

در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن های یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۲۶- ویژگی اصلی دوره دوم حاکمیت کلیسا در مورد تقابل عقل و دین چه بود؟

در این دوره فیلسوفان مسیحی به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد و به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۲۷- فرانسیس بیکن، کدام روش را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست ؟

« فرانسیس بیکن » که روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست.

۲۸- فرانسیس بیکن، چه درخواستی از فیلسوفان اروپایی زمان خویش نمود ؟

از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته اند ، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند.

۲۹- دکارت به کدام یک از توانایی های عقل توجه داشت ؟

دکارت به همه توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.

۳۰- تفاوت اصلی دیدگاه دکارت در مورد اثبات وجود خدا و نفس مجرد از طریق عقل با دیدگاه کانت چیست؟

دکارت معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند. اما کانت بر این باور بود که عقل نمی تواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند، و لذا راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد.

۳۱- دیدگاه دکارت در مورد عقل چه تفاوتی با دیدگاه برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان داشت؟

دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان، آن گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می دانست.

۳۲- کانت از میان دو دیدگاه عقل گرایان و تجربه گرایان در خصوص اثبات خدا و نفس مجرد ، کدام یک را پذیرفت ؟

کانت در داوری میان عقل گرایان و تجربه گرایان، این بخش از نظر تجربه گرایان را پذیرفت که عقل نمی تواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند، اما برخلاف آنان، راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد

۳۳- دیدگاه کانت درباره مفاهیم فلسفی همچون « وجود»، « ضرورت»، « امکان » و « علیت » با دیدگاه فلاسفه ای مانند

ارسطو و ابن سینا چه تفاوت و تمایزی داشت؟

کانت درباره مفاهیم فلسفی، مانند « وجود »، « ضرورت»، « امکان» و « علیت » نظری متفاوت با فیلسوفان گذشته داشت.

فیلسوفان گذشته مانند ارسطو و ابن سینا، عقیده داشتند که عقل این مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است اما کانت معتقد بود که این مفاهیم ساختار ذهن انسان اند و عقل و ذهن، اشیای خارجی را در این ساختار درک می کند.

۳۴- دیدگاه کانت درباره مفاهیم فلسفی همچون «وجود»، «ضرورت»، «امکان» و «علیت» چه تاثیری در تاریخ فلسفه برجای گذاشت ؟

این بیان کانت، تحوّل عظیمی در کارکرد عقل به وجود آورد و عقل را به عنوان ابزار شناخت واقعیات خارجی، به امری بدل کرد که مفاهیم « ذهنی » را شناسایی می کند.

۳۵- اوگوست کنت از نظریات کدام فیلسوف درباره عقل تاثیر پذیرفته است ؟ عقیده او را بیان کنید.

اوگوست کنت در قرن نوزدهم با تأثیرپذیری از دیدگاه کانت درباره عقل، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند. به عقیده وی، فیلسوفان، دستگاهی فلسفی از جهان ارائه می دهند ولی حقیقتاً این دستگاه، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ناظر بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است. از نظر اوگوست کنت، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به « عقل» می رسد. بنابراین، از نظر کنت فقط عقل از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

۳۶- از نظر اوگوست کنت ، عقل از چه روشی می تواند به علم برسد ؟

از نظر کنت، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به « علم » می رسد.

۳۷- از نظر اوگوست کنت ، چه ابزاری و چگونه می تواند به شناخت واقعیت نائل شود ؟

از نظر کنت فقط عقل از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

۳۸- اثرات دیدگاه اوگوست کنت در مورد عقل در میان فیلسوفان اروپایی و مسائل مختلف را بنویسید.

دیدگاه اوگوست در مورد عقل به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت و در مسائل مختلف، از قبیل نسبت عقل و دین، توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و نگاه انسان به خود و جهان آثاری برجای گذاشت.

۳۹- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|--------------------------------|----------------------|
| الف) مهمترین مدافعان عقل | ۱- عقل کلی |
| ب) وجه متمایز انسان از حیوان | ۲- قوه استدلال |
| ج) مرتبه نازل و پایین عقل مجرد | ۳- سخن و کلمه |
| د) ویژگی حکیمان ایران باستان | ۴- فرزادگی و خردورزی |
| و) به معنای عقل و نطق است. | ۵- عقل |
| ه) ظهور و پرتو عقل | ۶- فیلسوفان |
| ی) عقل جهانی | ۷- لوگوس |

الف: ۶ ب: ۵ ج: ۳ د: ۴ و: ۷ ه: ۳ ی: ۱

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- از چه کسانی به عنوان مهم ترین مدافعان عقل یاد می کنند؟ فیلسوفان
- ۲- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را چه چیزی می دانند؟ عقل
- ۳- مقصود فلاسفه از مفهوم « ناطق » در تعریف ارسطویی انسان به عنوان « حیوان ناطق » چیست؟ عقل
- ۴- بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه برعالم طبیعت، عوالم دیگری هم وجود داردیکی از این عوالم را نام ببرید.
عالم عقل
- ۵- آیا می توان عالم عقل را با حواس درک کرد؟ خیر با حواس ظاهری نمی توان آن را درک کرد.
- ۶- فیلسوفان الهی ، کدام قوه را مرتبه نازل و پایین عقل مجرد می شمارند؟ قوه استدلال
- ۷- یکی از کانون های اولیّه عقل گرایی را نام ببرید ایران باستان
- ۸- اندیشمندان ایران باستان به چه ویژگی هایی شهرت داشتند؟ خردورزی و فرزاندگی
- ۹- مقصود هراکلیتوس از لوگوس چیست؟ مقصود همان «عقل» و «نطق» است.
- ۱۰- چه چیزی نزد هراکلیتوس ظهور و پرتو عقل محسوب می شوند؟ « کلمه » و « سخن»
- ۱۱- مقصود افلاطون از عقل جهانی کدام عقل است؟ عقل کلی
- ۱۲- ارسطو قوه عقل را بر اساس کاری که انجام می دهد به دو قسم، تقسیم کرده بود. آن دو قسم کدامند؟ عقل نظری و عقل عملی
- ۱۳- علم نزد ارسطو دو قسم است؟ آن دو قسم کدامند؟ علم نظری و علم عملی
- ۱۴- ارسطو انواع استدلال را در کدام بخش از آثار خود تدوین کرده است؟ در بخش منطق
- ۱۵- مقصود ارسطو از نطق در تعریف انسان « حیوانی است ناطق » چه بود؟ مقصود از نطق، همان تفکر بود.
- ۱۶- کدام فیلسوف عقل را ذاتی انسان می دانست و تصویر روشن تری از عقل عرضه کرد؟ ارسطو
- ۱۷- اختلاف میان فیلسوفان در ابتدای توجه به عقل در اروپا، فیلسوفان اروپایی را به دو دسته تقسیم کرد؟ آن دو دسته را نام ببرید. فیلسوفان « عقل گرا » و « تجربه گرا»

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- اگر مفهوم « دین » ما را به یاد « ایمان » می اندازد ، مفهوم فلسفه نیز با و گره خورده است. عقل - عقلانیت
- ۲- معمولا از فیلسوفان به عنوان مهم ترین مدافعان یاد می کنند. عقل
- ۳- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را می دانند و معتقدند که منظور ارسطو از ناطق وقتی که انسان را به « حیوان ناطق » تعریف می کند، همان است. عقل - عقل
- ۴- عقل توانمندی ای است که به کمک آن می کنیم و از این طریق به دانش ها و دست می یابیم. استدلال - حقایق
- ۵- از نظر فیلسوفان، توانمندی در کودک به صورت است؛ با تربیت و تمرین به می رسد و تقویت می شود. بالقوه- فعلیت
- ۶- یکی از کاربردهای عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم هستند و در قید زمان و مکان مجرد- نیستند
- ۷- بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری مانند عالم وجود دارد که با ... نمی توان آنها را درک کرد. عقل - حواس ظاهری
- ۸- فیلسوفان الهی معتقدند عقول یا حقایق اشیا را می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند. فرشتگان - شهود
- ۹- فیلسوفان الهی ، قوه را مرتبه نازل و پایین عقل می شمارند. استدلال - مجرد
- ۱۰- به عقیده فیلسوفان الهی، توانایی بشر در ساختن مفاهیم ، خود پرتوی از همان است که در وجود هر انسانی هست. کلی - عقل
- ۱۱- پس از شکل گرفتن مفاهیم ... است که انسان توانایی صورت بندی را پیدا می کند و قیاس های مختلف را، آن گونه که در منطق گفته شده است، می سازد. کلی - استدلال
- ۱۲- یکی از کانون های اولیّه عقل گرای، ایران باستان است که اندیشمندان آن به و شهرت داشتند. خردورزی - فرزاندگی
- ۱۳- می توان گفت حکمای ایران از عقل به عنوان یک وجود و آگاه بوده اند. نورانی - مجرد
- ۱۴- در اندیشه حکیمان ایران باستان، خرد با وجود آفریدگار و یگانه است و آفریدگار، کل جهان را با رهبری می کند. متحد - خرد
- ۱۵- در اندیشه حکیمان ایران باستان که همان خداست، با خرد و خود جهانیان و وجدان ها و خردها را آفریده است. مزدا - اندیشه
- ۱۶- در اندیشه حکیمان باستان خدا براساس می آفریند. ایران - خرد
- ۱۷- در میان فیلسوفان یونان باستان، هراکلیتوس از حقیقتی به نام سخن می گوید که به معنای «عقل» است و لوگوس - نطق
- ۱۸- نزد هراکلیتوس و نزد او ظهور و پرتو عقل محسوب می شوند. کلمه - سخن
- ۱۹- عقل نزد ، همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء او هستند، هم کلمات و سخن. هراکلیتوس- ظهور
- ۲۰- از نظر هراکلیتوس اشیاء عالم، همان کلمات و بیان علم و اویند. عقل - حکمت
- ۲۱- افلاطون به عقلی، که آن را «عقل» یا «عقل» می نامید، اعتقاد داشت و انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می دانست. جهانی- کلی
- ۲۲- به عقیده ارسطو قوه عقل براساس کاری که انجام می دهد، به دو قوه ، عقل و عقل تقسیم می شود. نظری - عملی
- ۲۳- به عقیده ارسطو، دانش بشری به دو قسم علم و علم تقسیم می گردد. نظری - عملی
- ۲۴- ارسطو استدلال را از استدلال محض جدا کرد و کاربرد هر کدام را روشن ساخت. تجربی - عقلی
- ۲۵- ارسطو عقل را انسان می دانست. بدین ترتیب، او تصویر روشن تری از عرضه کرد. ذاتی - عقل

- ۲۶- در ابتدای ... که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، ... جایگاه ممتازی پیدا کرد.
رنسانس - عقل
- ۲۷- در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا، بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن ... را عامل تضعیف ... می دانستند.
عقل - ایمان
- ۲۸- برخی از بزرگان کلیسا ... را امری ... می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند . عقل - شیطانی
- ۲۹- به عقیده برخی از بزرگان کلیسا ، ... قوی از آن کسی است که در برابر ... های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند
ایمان - شبهه
- ۳۰- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، فیلسوفان مسیحی، تحت تأثیر مطالعه کتاب های ... و ... به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند.
ابن سینا - ابن رشد
- ۳۱- به تدریج، در دوره رنسانس ... جای ... را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند. عقل - دین
- ۳۲- در ابتدای توجه به عقل در اروپا اختلاف میان فلاسفه سبب شد فیلسوفان اروپا به دو دسته ... و ... تقسیم شدند.
عقل گرا - تجربه گرا
- ۳۳- فرانسیس بیکن که روش ... را بهترین روش برای ... زندگی بشر می دانست. تجربی - پیشرفت
- ۳۴- فرانسیس بیکن از فیلسوفان خواست که از ... هایی که فلاسفه ... ساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند. بت - قدیم
- ۳۵- دکارت به همه توانایی های عقل، مانند داشتن ... عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز ... توجه داشت. بدیهیات - تجربه
- ۳۶- دکارت معتقد بود که عقل می تواند وجود ... و نفس مجرد انسان و ... او را، با استدلال اثبات کند. خدا - اختیار
- ۳۷- دکارت به عقل به عنوان یک ... برتر و متعالی در جهان و در انسان، آن گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه ... استدلال می دانست. حقیقت - منطقی
- ۳۸- کانت در داورى میان عقل گرایان و تجربه گرایان، این بخش از نظر تجربه گرایان را پذیرفت که عقل نمی تواند وجود اموری مانند ... و ... مجرد انسان را اثبات کند. خدا - نفس
- ۳۹- کانت راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند ... و ... مجرد انسانی پیشنهاد کرد. خدا - نفس
- ۴۰- کانت درباره مفاهیم فلسفی، مانند « وجود »، « ... »، « امکان » و « ... » نظری متفاوت با فیلسوفان گذشته داشت. ضرورت - علیت
- ۴۱- فیلسوفان گذشته مانند ارسطو و ... ، عقیده داشتند که عقل مفاهیم فلسفی را از ... گرفته و انتزاع کرده است. ابن سینا - واقعیت
- ۴۲- کانت معتقد بود که مفاهیم فلسفی مانند وجود ، ضرورت ، امکان و علیت ، ساختار ... انسان اند و عقل و ذهن، اشیای خارجی را در این ساختار ... می کند. ذهن - درک
- ۴۳- دیدگاه کانت، عقل را به عنوان ابزار شناخت ... خارجی، به امری بدل کرد که مفاهیم ... را شناسایی می کند. واقعیات - ذهنی
- ۴۴- اوگوست کنت در قرن نوزدهم با تأثیرپذیری از دیدگاه ... درباره عقل، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ... خواند. کانت - ذهنی
- ۴۵- به عقیده اوگوست کنت، فیلسوفان، دستگاهی فلسفی از جهان ارائه می دهند ولی حقیقتاً این دستگاه، ناظر بر ... نیست بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ... است. واقعیت - ذهنی
- ۴۶- از نظر اوگوست کنت، عقل صرفاً آنگاه که با روش ... و ... وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به « علم » می رسد.
تجربی - حسی
- ۴۷- از نظر کنت فقط ... از طریق علم ... می تواند به شناخت واقعیت نائل شود. عقل - تجربی

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- مفهوم « دین » ما را به یاد « ایمان » می اندازد. درست
- ۲- مفهوم « عرفان »، « ایمان » را تداعی می کند. نادرست
- ۳- مفهوم فلسفه با « عقل » و « عقلانیت » گره خورده است. درست
- ۴- معمولاً از عارفان به عنوان مهم ترین مدافعان عقل یاد می کنند. نادرست
- ۵- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را عقل می دانند و معتقدند که منظور ارسطو از ناطق همان « عقل » است. درست
- ۶- تاریخ فلسفه با تاریخ ایمان پیوندی ناگسستنی دارد و تحولات معنا و محدوده ایمان با تحولات فلسفه گره خورده است. نادرست
- ۷- عقل توانمندی ای است که به کمک آن استدلال می کنیم و از این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم. درست
- ۸- انسان با عقل خود استدلال می کند و می تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست. درست
- ۹- انسان با عقل خود، می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد. درست
- ۱۰- انسان با عقل خود می تواند پی ببرد که کدام سخن درست و کدام نادرست، و کدام رفتار پسندیده و کدام ناپسند است. درست
- ۱۱- از نظر فیلسوفان، توانمندی در کودک به صورت بالفعل است و با تربیت و تمرین به قوه می رسد و تقویت می شود. نادرست
- ۱۲- بسیاری از فلاسفه معتقدند، علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری مانند عالم مثل وجود دارد که با حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد. درست
- ۱۳- فیلسوفان الهی معتقدند که علم موجودات مجرد، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را « شهود » می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند. درست
- ۱۴- فیلسوفان الهی معتقدند که روح انسان می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد شود. درست
- ۱۵- فیلسوفان الهی معتقدند که روح انسان می تواند با تهذیب نفس می تواند بسیاری از حقایق را شهود کند. درست
- ۱۶- فیلسوفان الهی، قوه استدلال را مرتبه عالی تر عقل مجرد می شمارند. نادرست
- ۱۷- به عقیده فیلسوفان الهی توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی، خود پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست. درست
- ۱۸- به عقیده فیلسوفان الهی، پس از شکل گیری مفاهیم کلی، انسان توانایی صورت بندی استدلال را پیدا می کند و قیاس های مختلف را، آن گونه که در منطق گفته شده است، می سازد. درست
- ۱۹- از عهد باستان تاکنون، گزارش هایی درباره عقل و تحلیل و تبیین فیلسوفان از آن وجود دارد. درست
- ۲۰- یکی از کانون های اولیه عقل گرایی، ایران باستان است که اندیشمندان آن به خردورزی و فرزاندگی شهرت داشتند. درست
- ۲۱- گزارش هایی مانند گزارش فردوسی در شاهنامه نشان می دهد در ایران باستان توجهی به عقل و خردورزی وجود دارد. درست
- ۲۲- حکمای ایران باستان از عقل به عنوان یک وجود نورانی و مجرد آگاه نبودند. نادرست
- ۲۳- حکمای ایران باستان به عقل به عنوان عنصر تعقل و خردورزی و برهان اهمیت می داده اند. درست
- ۲۴- در اندیشه حکیمان ایران باستان، خرد با وجود آفریدگار متحد و یگانه نیست بلکه آفریدگار، کل جهان را با خرد رهبری می کند. نادرست
- ۲۵- حکمای ایران باستان عقیده داشتند که « خدا براساس خرد می آفریند. » درست
- ۲۶- به عقیده حکمای یونان باستان «مзда» که همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجدان ها و خردها را آفریده است. نادرست
- ۲۷- در میان فیلسوفان یونان باستان، پارمنیدس از حقیقتی به نام « لوگوس » سخن می گوید که به معنای «عقل» است و «نطق» نادرست
- ۲۸- « کلمه » و « سخن » نزد هراکلیتوس ظهور و پرتو عقل محسوب می شوند. درست
- ۲۹- عقل نزد سقراط، حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن. نادرست
- ۳۰- از نظر پارمنیدس اشیاء عالم، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند. نادرست
- ۳۱- هراکلیتوس معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود. نادرست

- ۳۲- افلاطون مانند سقراط به عقلی، که آن را «عقل جهانی» یا «عقل کلی» می‌نامید، اعتقاد داشت. نادرست
- ۳۳- افلاطون، انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می‌دانست. درست
- ۳۴- ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه‌ای داشت. درست
- ۳۵- افلاطون معتقد بود که قوه عقل براساس کاری که انجام می‌دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود. نادرست
- ۳۶- به عقیده ارسطو، دانش بشری به دو قسم علم نظری و علم عملی تقسیم می‌شود. درست
- ۳۷- افلاطون انواع استدلال‌ها را در بخش منطق آثار خود تدوین کرد. نادرست
- ۳۸- این افلاطون بود که اولین بار، استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرد و کاربرد هرکدام را روشن ساخت. نادرست
- ۳۹- ارسطو، انسان را با مفهوم «حیوان ناطق» تعریف کرد که در آن، مقصود از نطق، همان تفکر بود. درست
- ۴۰- ارسطو عقل را ذاتی انسان می‌دانست. بدین ترتیب، او تصویر روشن تری از عقل عرضه کرد. درست
- ۴۱- عقل در دوره جدید اروپا، تحولاتی را از سرگذرانده که عمدتاً مربوط به حدود توانایی‌های عقل است. درست
- ۴۲- در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می‌خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد. درست
- ۴۳- در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می‌خورد، عقل یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد. نادرست
- ۴۴- در ابتدای رنسانس، بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند. نادرست
- ۴۵- برخی از فیلسوفان اروپایی، عقل را امری شیطانی می‌پنداشتند و در برابر استدلال‌های عقلی می‌ایستادند. نادرست
- ۴۶- برخی از بزرگان کلیسا معتقدند، ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهه‌های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند. درست
- ۴۷- در قرن‌های ۱۱ تا ۱۳، فیلسوفان مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب‌های ابن سینا و ابن رشد به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند. درست
- ۴۸- از آنجا که در قرن‌های ۱۱ تا ۱۳ توجه به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد. درست
- ۴۹- به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه‌ای از زندگی انسان‌ها به حاشیه راند. درست
- ۵۰- در همان ابتدای توجه به عقل در اروپا، اختلافی میان فلاسفه آغاز شد و به تدریج رشد کرد؛ به گونه‌ای که فیلسوفان اروپا به دو دسته «عقل‌گرا» و «تجربه‌گرا» تقسیم شدند. درست
- ۵۱- «فرانسیس بیکن» روش عقلانی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می‌دانست. نادرست
- ۵۲- «فرانسیس بیکن» از فیلسوفان خواست که از بت‌هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته‌اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می‌آید تکیه کنند. درست
- ۵۳- «بیکن» به همه توانایی‌های عقل، مانند داشتن بديهيات عقلی، استدلال‌های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. نادرست
- ۵۴- دکارت معتقد بود که عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند. درست
- ۵۵- دکارت همانند برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان اعتقاد داشت. نادرست
- ۵۶- دکارت عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می‌دانست. درست
- ۵۷- کانت در داوری میان عقل‌گرایان و تجربه‌گرایان، با این نظر تجربه‌گرایان موافق بود که عقل می‌تواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند. نادرست
- ۵۸- کانت همانند تجربه‌گرایان راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد. نادرست
- ۵۹- کانت درباره مفاهیم فلسفی، مانند «وجود»، «ضرورت»، «امکان» و «علیت» نظری متفاوت با فیلسوفان گذشته نداشت. نادرست

- ۶۰- کانت برخلاف ارسطو و ابن سینا، معتقد بود که عقل مفاهیم فلسفی مانند « وجود»، « ضرورت»، « امکان» و «علیت» را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است. نادرست
- ۶۱- ارسطو و ابن سینا، برخلاف کانت عقیده داشتند که مفاهیم فلسفی مانند « وجود»، « ضرورت»، « امکان» و «علیت» ساختار ذهن انسان اند و عقل و ذهن، اشیای خارجی را در این ساختار درک می کند. نادرست
- ۶۲- کانت، تحوّل عظیم در کارکرد عقل به وجود آورد و عقل را به عنوان ابزار شناخت واقعیات خارجی، به امری بدل کرد که مفاهیم « ذهنی» را شناسایی می کند. درست
- ۶۳- در قرن نوزدهم، کانت با تأثیرپذیری از دیدگاه اوگوست کنت درباره عقل، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند. نادرست
- ۶۴- اوگوست کنت بر این عقیده بود که فیلسوفان، دستگاهی فلسفی از جهان ارائه می دهند ولی حقیقتاً این دستگاه، ناظر بر واقعیت نیست بلکه بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است. درست
- ۶۵- از نظر کنت، عقل صرفاً آنگاه که با روش استدلال عقلی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به « علم» می رسد. نادرست
- ۶۶- از نظر کنت فقط عقل از طریق فلسفه می تواند به شناخت واقعیت نائل شود. نادرست
- ۶۷- دیدگاه اوگوست کنت به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت. درست
- ۶۸- دیدگاه اوگوست کنت در مسائل مختلف، از قبیل نسبت عقل و دین، توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و نگاه انسان به خود و جهان آثاری برجای گذاشت. درست

سوالات تستی

- ۱- در مورد حقیقت عقل و خردورزی نزد حکمای ایران باستان، از نظر فردوسی، کدام مورد مناسبتر است؟
- (۱) یکی از کانون های اولیّه عقل گرایی، ایران است که پهلوانان آن به خردورزی و فرزاندگی شهرت داشتند.
- (۲) گزارش فردوسی در شاهنامه از توجه حکمای ایران باستان به عقل و خردورزی حکایت می کند.
- (۳) در حکایات خویش از آزادگانی رهیده از دام وسواس شیطانی خبر می دهد که از خرد و عقل بهره داشته و حکیمانه زندگی نموده اند.
- (۴) گزارش فردوسی در شاهنامه از توجه حکمای ایران باستان به جمع میان ایمان و خرد حکایت می کند.

۲- فردوسی یکی از مصادیق خردورزی و فرزاندگی را می داند که

- (۱) پهلوانانی مانند زال و رستم و گیو - میان شجاعت و خرد جمع کرده اند.
- (۲) آزادگانی رهیده از دام وسواس شیطانی مانند کیخسرو و زال - میان شجاعت و خرد جمع کرده اند.
- (۳) آزادگانی رهیده از دام وسواس شیطانی مانند کیخسرو و زال - از عقل و خردورزی بهره داشته و حکیمانه زندگی نموده اند.
- (۴) پهلوانانی مانند مانند زال و رستم و گیو - میان ایمان و خرد جمع کرده اند.

۳- مطابق نظر فیلسوفان الهی کدام توصیف مربوط به موجودات عقلانی نمی باشد؟

- (۱) موجودات مجرد از ماده و جسم که در قید زمان و مکان نیستند و فیلسوفان با دلیل و برهان، وجود آنها را اثبات می کنند.
- (۲) این موجودات در افعال خود به ابزار مادی نیاز ندارند و از این رو با حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد .
- (۳) علم این موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم حاصل می شود و در کتاب های آسمانی از جمله قرآن از آنها یاد شده است.
- (۴) عقول که همان فرشتگان اند ، حقایق اشیا را «شهود» می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند .

۴- با توجه به اندیشه حکمای ایران باستان کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد؟

- (۱) آنان از عقل به عنوان یک وجود نورانی و مجرد آگاه بوده و به عقل به عنوان تعقل و خردورزی و برهان اهمیت می دادند.
- (۲) در اندیشه آنان، خرد با وجود آفریدگار متحد و یگانه است و آفریدگار، کل جهان را با خرد و عقل رهبری می کند.
- (۳) به عقیده آنان، خدا بر اساس خرد می آفریند و خردی که وجود عقلانی است و عقل کلی پرتو و مظهر اوست، عقل انسان است.
- (۴) در اندیشه آنان، «مзда» که همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجدان ها و خردها را آفریده است.

۵- «مзда»، «لوگوس» و «عقل جهانی» به ترتیب معادلند با :

- (۱) عقل کلی در اندیشه حکمای ایران باستان- خدا در اندیشه هراکلیتوس - عقل کلی در اندیشه افلاطون
- (۲) خداوند در اندیشه حکمای ایران باستان- عقل کلی در اندیشه افلاطون - عقل در اندیشه هراکلیتوس
- (۳) عقل کلی در اندیشه حکمای ایران باستان- خدا در اندیشه هراکلیتوس - عقل کلی در اندیشه افلاطون
- (۴) خداوند در اندیشه حکمای ایران باستان - عقل در اندیشه هراکلیتوس - عقل کلی در اندیشه افلاطون

۶- کدام فیلسوف تعبیر لوگوس را به کار برد و معنای آن چیست ؟

- (۱) هراکلیتوس - عقل و منطق (۲) پارمیندس - کلمه و سخن (۳) پارمیندس - عقل و منطق (۴) هراکلیتوس - کلمه و سخن

۷- هراکلیتوس به کدامیک از معانی لوگوس توجه داشت و کدام تعبیر نزد او ظهور و پرتو عقل محسوب می شوند ؟

- (۱) کلمه و سخن - عقل و منطق (۲) عقل و منطق - عقل و منطق (۳) عقل و منطق - کلمه و سخن (۴) کلمه و سخن - کلمه و سخن

۸- تفاوت نگرش هراکلیتوس با پارمیندس در مورد عقل در کدام گزینه آمده است؟

۱) عقل نزد هراکلیتوس، حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن اما از نظر پارمیندس اشیاء عالم، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند

۲) عقل نزد هراکلیتوس، حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن اما پارمیندس معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود.

۳) هراکلیتوس معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود اما پارمیندس به عقلی، که آن را «عقل جهانی» یا «عقل کلی» می نامید، اعتقاد داشت.

۴) هراکلیتوس به وجود عقلی، که آن را «عقل جهانی» یا «عقل کلی» می نامید، اعتقاد داشت اما معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود.

۹- فیلسوفان الهی، قوه استدلال را مرتبه نازل و پایین می شمارند و می گویند توانایی بشر در ساختن مفاهیم، خود پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست.

۱) عقل مجرد - جزئی ۲) عقل جهانی - جزئی ۳) عقل جهانی - کلی ۴) عقل مجرد - کلی

۱۰- تعبیر افلاطون از «عقل کلی» کدام است و لائوتسه جایگاه «اِئو» را چگونه می داند؟

۱) عقل جهانی- «اِئو» پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست.

۲) عقل مجرد - همه چیز ظهور «اِئو» است.

۳) عقل جهانی - همه چیز ظهور «اِئو» است.

۴) عقل مجرد - «اِئو» پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست.

۱۱- ارسطو عقل را انسان می دانست و در بخش منطق آثار خود، استدلال را از جدا کرد و هر کدام را روشن ساخت.

۱) ذاتی - قیاسی - استدلال عقلی محض - موضوع ۲) عرضی - قیاسی - استدلال عقلی محض - موضوع

۳) عرضی - تجربی - استدلال عقلی محض - کاربرد ۴) ذاتی - تجربی - استدلال عقلی محض - کاربرد

۱۲- کدام ویژگی تفاوت اصلی دوره اول حاکمیت کلیسا را نسبت به دوره دوم حاکمیت کلیسا بیان می کند؟

۱) در دوره دوم حاکمیت مسیحیت در اروپا، بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند.

۲) در دوره دوم حاکمیت کلیسا، برخی از بزرگان آن عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند.

۳) در دوره دوم حاکمیت کلیسا، برخی از بزرگان آن معتقد بودند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

۴) در دوره دوم حاکمیت کلیسا، حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا وابن رشد به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند که منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد.

۱۳- کدام عبارت با ویژگی های دوره رنسانس سازگار نیست؟

۱) در ابتدای رنسانس عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.

۲) عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از رنسانس تاکنون، تحولاتی را از سرگذرانده که عمدتاً مربوط به حدود توانایی های عقل است

۳) در ابتدای رنسانس ایمان یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد و عقل عامل تضعیف ایمان تلقی شد.

۴) در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۱۴- کدام عبارت نظر فرانسیس بیکن را درباره « روش تجربی » توضیح می دهد؟

- ۱) وی روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست.
 - ۲) به عقیده وی عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد.
 - ۳) از نظر وی، فقط عقل از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.
 - ۴) بر اساس اندیشه وی، نباید فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کرد.
- ۱۵- کدام عبارت با نظرات دکارت در مورد عقل سازگار نیست؟

- ۱) دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان عقیده ای داشت.
- ۲) دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان عقیده ای نداشت.
- ۳) دکارت عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می دانست.
- ۴) دکارت به همه توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.

۱۶- کدام مطلب، وجه اختلاف یا اشتراک اندیشه دکارت با اندیشه های کانت در مورد اثبات وجود خدا و نفس مجرد را نشان می دهد؟

- ۱) دکارت و کانت هر دو معتقد بودند که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند.
- ۲) دکارت و کانت هر دو معتقد بودند که عقل نمی تواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند.
- ۳) کانت برخلاف دکارت، به جای اثبات خدا و نفس مجرد از طریق عقل، راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد.

۴) دکارت برخلاف کانت، به جای اثبات خدا و نفس مجرد از طریق عقل، راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد.

۱۷- کدام مورد بیانگر وجه اختلاف اندیشه کانت با اندیشه های ارسطو و ابن سینا است؟

- ۱) به نظر ارسطو و ابن سینا، عقل مفاهیم فلسفی همچون « وجود »، « ضرورت »، « امکان » و « علیت » را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است اما کانت معتقد بود که این مفاهیم ساختار ذهن انسان اند.

۲) به عقیده کانت، عقل مفاهیم فلسفی، مانند « وجود »، « ضرورت »، « امکان » و « علیت » را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است اما ارسطو و ابن سینا معتقد بودند که این مفاهیم ساختار ذهن انسان اند.

۳) ارسطو و ابن سینا برخلاف کانت عقل را به عنوان ابزار شناخت واقعیات خارجی، به امری بدل کردند که مفاهیم « ذهنی » را شناسایی می کند.

۴) کانت برخلاف ابن سینا و ارسطو، عقل را به عنوان ابزار شناخت مفاهیم ذهنی، به امری بدل کرد که واقعیات « خارجی » را شناسایی می کند.

۱۸- میان دو متفکر ذکر شده کدام یک متأثر از دیگری بوده است و کدام مطلب، پیامد این اثرپذیری را بیان می کند؟

۱) کانت از اوگوست کنت - عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه کاملاً ذهنی تلقی شد.

۲) اوگوست کنت از کانت - عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه کاملاً ذهنی تلقی شد.

۳) کانت از اوگوست کنت - تحوّل عظیم در کارکرد عقل به وجود آورد.

۴) اوگوست کنت از کانت - تحوّل عظیم در کارکرد عقل به وجود آورد.

۱۹- مطابق نظر اوگوست کنت، دستگاهی فلسفی که فیلسوفان از جهان ارائه می دهند چگونه است؟

۱) این دستگاه، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ناظر بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.

۲) این دستگاه، ناظر بر واقعیت است و نه ناظر بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی نیست.

۳) این دستگاه، نه حاصل تأملات ذهنی آنان است و نه ناظر بر واقعیت.

۴) این دستگاه مفاهیم ذهنی را به واقعیات خارجی مبدل می کند.

۲۰- با توجه به تعریف عقل، به توانمندی که به کمک آن استدلال می کنیم و از این طریق به دانش ها و حقایق دست می یابیم. کدام عبارت درست نیست؟

(۱) این تعریف را می توان جامع ترین تعریف ها به شمار آورد.

(۲) این تعریف عموم استدلال ها، اعم از تجربی ریاضی، فلسفی، کلامی، فقهی، اخلاقی و حقوقی را که در حوزه عقل نظری و عقل عملی قرار دارند شامل می شود.

(۳) این تعریف برخی استدلال ها، از جمله فقط استدلال تجربی، ریاضی و فلسفی، را شامل می شود.

(۴) بر اساس این تعریف ما می توانیم به برخی توانمندی های عقل پی ببریم و دریابیم که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست.

۲۱- به ترتیب، موضوع عقل نظری و عقل عملی را کدام مورد تشکیل می دهد و این تقسیم بندی ناشی از چیست؟

(۱) هست ها و نیست ها - بایدها و نبایدها - از جهت کارهایی که انجام می دهد.

(۲) بایدها و نبایدها - هست ها و نیست ها - از جهت هدف هایی که در پی دارد.

(۳) بایدها و نبایدها - هست ها و نیست ها - از جهت کارهایی که انجام می دهد.

(۴) هست ها و نیست ها - بایدها و نبایدها - از جهت هدف هایی که در پی دارد.

۲۲- کدام عبارت دیدگاه اوگوست کنت را در باب « علم » بیان می کند ؟

(۱) علم از نظر اوگوست کنت منحصر به علم تجربی نیست و فلسفه، نزد او نیز علم به حساب می آید.

(۲) علم از نظر اوگوست کنت منحصر به علم تجربی است و فلسفه، علم به حساب نمی آید.

(۳) علم از نظر اوگوست کنت منحصر به فلسفه است و علم تجربی، علم به حساب نمی آید.

(۴) علم از نظر اوگوست کنت منحصر به علم تجربی نیست و معرفت شهودی نیز علم به حساب می آید.

۲۳- در کدام مورد همگی موضوعات از جمله اموری است که از نظر استدلال عقلی ناممکن شمرده می شوند ؟

(۱) آمدن خدا روی زمین و تجسد او در مسیح - سه تا بودن خدا در عین یکی بودن او - کشته شدن مسیح و زنده شدن دوباره او

(۲) کشته شدن مسیح و زنده شدن دوباره او - رفتن مسیح به آسمان و تولد انسان ها با گناه اولیه - یکی بودن خدا در عین کثیر بودن او

(۳) آمدن مسیح روی زمین و تجسد او در خدا - سه تا بودن خدا در عین یکی بودن او - کشته شدن مسیح و زنده شدن دوباره او

(۴) کشته شدن مسیح و زنده شدن دوباره او - آمدن مسیح روی زمین و تجسد او در خدا - یکی بودن خدا در عین کثیر بودن او

۲۴- کدام مورد عبارت را به نحو درستی کامل می کند ؟ تقابل تاریخی عقل و دین در اروپا چنان گسترده بود.....

(۱) که حتی در نام گذاری ادوار تاریخی نیز خود را نشان داد. (۲) که سبب بروز جنگ های عقیدتی در میان مسیحیان شد.

(۳) که علت اصلی مقابله رهبران کلیسا با عقل شد. (۴) که باعث شد برخی فلسفه را کفر بدانند.

۲۵- کدام مورد درباره افکار «رتولیانوس» درست نیست ؟

(۱) رتولیانوس، از مدافعان سرسخت مسیحیت بوده است.

(۲) رتولیانوس فلسفه را کفر می دانست.

(۳) رتولیانوس می گفت: «ایمان می آورم؛ از آن جهت که امری محال است»

(۴) رتولیانوس می گفت: «پسر خدا مرد و زنده شد و ما باید به او ایمان آوریم؛ زیرا محال نیست کسی بمیرد و زنده شود.»

۲۶- هر یک از جلدهای کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت «جلد چهارم»، «جلد پنجم»، «جلد ششم» «جلد هفتم» به ترتیب ، ، و نامیده شده است.

(۱) رنسانس - عصر ایمان - آغاز عصر خرد - اصلاح دین (۲) عصر ایمان - رنسانس - اصلاح دین - آغاز عصر خرد

(۳) عصر ایمان - رنسانس - آغاز عصر خرد - اصلاح دین (۴) رنسانس - عصر ایمان - اصلاح دین - آغاز عصر خرد